

آیا غیر قابل جایگزین هستید؟

مهره‌ی حیاتی

ست گادین

ترجمه‌ی علیرضا خاکساران



فهرست مطالب

۹	پیشگفتار مترجم
۱۱	مقدمه
۱۹	فصل اول: دنیای جدید کار
۴۵	فصل دوم: درباره‌ی انتخاب‌تان فکر کنید
۵۷	فصل سوم: نهاد پنهان‌سازی باورها: چگونه به این جا رسیدیم؟
۶۹	فصل چهارم: تبدیل شدن به مهره‌ی حیاتی
۱۰۹	فصل پنجم: آیا سخت‌کوشی در یک اتاقک اداری امکان‌پذیر است؟
۱۳۷	فصل ششم: مقاومت
۱۹۷	فصل هفتم: فرهنگ قدرتمند هدایا
۲۲۹	فصل هشتم: هیچ نقشه‌ای وجود ندارد
۲۴۹	فصل نهم: انتخاب کردن
۲۷۷	فصل دهم: فرهنگ ارتباط
۲۸۷	فصل یازدهم: هفت توانایی مهره‌ی حیاتی
۲۹۷	فصل دوازدهم: وقتی هنر‌تان جواب نمی‌دهد
۳۰۵	فصل سیزدهم: خلاصه

مقدمه

شما نابغه‌اید

اگر نابغه را شخصی با توانایی‌ها و بیش استثنایی جهت کشف راهکارهای نه چندان واضح برای یک مشکل تعریف کنیم، برای نابغه بودن، نیازی نیست برنده‌ی جایزه‌ی نوبل باشید. فرد نابغه گره‌ی مشکلاتی را باز می‌کند که از عهده‌ی دیگران بر نمی‌آید.

حال سؤال این است: آیا تا به حال چنین کاری انجام داده‌اید؟

آیا تا به حال راه میان‌بری پیدا کرده‌اید که دیگران قادر به پیدا کردن آن نبوده‌اند؟

آیا گره از کاری گشوده‌اید که سبب سردرگمی خانواده‌تان شده باشد؟

آیا راهی برای ممکن ساختن کاری غیرممکن پیدا کرده‌اید؟

آیا با فردی که هیچ‌کس به او دسترسی نداشته، ارتباط رودررو برقرار کرده‌اید؟

تا به حال شده حتی برای یک‌بار چنین اتفاقی افتاده باشد؟

هیچ‌کس در همه‌ی مواقع نابغه نیست. انیشتین هر روز که از سر کار به خانه برمی‌گشت،

در پیدا کردن راه خانه‌شان مشکل داشت. ولی همه‌ی ما در مواقع خاصی نابغه‌ایم.

بخش غم‌انگیز ماجرا این است که بدنه‌ی جامعه (مدرسه، رئیس، دولت یا خانواده‌تان)

این نبوغ را از شما می‌گیرند. مشکل این است که فرهنگ ما با معامله‌ای فاوستی^۱ در هم

آمیخته شده که در آن، نبوغ و هنرمان را می‌فروشیم تا به ثبات ظاهری برسیم.

۱. فاوست شخصیت اصلی یک افسانه‌ی آلمانی است. او انسانی موفق با تحصیلات دانشگاهی ولی ناراضی از زندگی است که روحش را با دانش نامحدود و لذات دنیوی در معامله‌ای با شیطان معاوضه می‌کند. این افسانه منشأ آثار ادبی، داستانی، سینمایی و موسیقایی بسیاری شده است. فاوست و صفت آن فاوستی، اغلب توصیف موقعیتی است که در آن فردی جاه‌طلب به منظور رسیدن به قدرت و موفقیت، دست از اخلاقیات می‌کشد. م.

فصل اول

دنیای جدید کار

اطراف ما پر از بوروکرات‌ها، جزوه‌نویس‌ها، ملانقطی‌ها، پیروان نقشه و دستورعمل، کارگران قابل‌جایگزین و کارمندان ترسو است

مشکل این است که بوروکرات‌ها، جزوه‌نویس‌ها، ملانقطی‌ها، پیروان نقشه و دستورعمل، کارگران قابل‌جایگزین و کارمندان ترسو همگی رنج می‌برند. علت رنج آن‌ها این است که نادیده گرفته می‌شوند، حقوق‌شان کم است، از کار بیکار می‌شوند و اضطراب و دلشوره دارند.

در فصل اول کتاب *ثروت ملت‌ها* نوشته‌ی آدام اسمیت^۱، وی به وضوح بیان می‌کند که کسب‌وکارها برای موفق شدن باید تولید محصولات را به امور کوچک‌تری تقسیم کنند؛ اموری که توسط کارگرانی با حقوق پایین قابل انجام باشند و از دستورعمل‌های ساده پیروی کنند. اسمیت در این کتاب به بازدهی بسیار بیشتر یک کارخانه‌ی تولید میخ در مقایسه با چند صنعتگر سازنده‌ی میخ‌های دست‌ساز می‌پردازد و این سؤال را مطرح می‌کند که چرا باید یک میخ‌ساز ماهر را استخدام کرد، در صورتی که ده کارگر کم‌مهارت در یک کارخانه‌ی تولید میخ با استفاده از یک دستگاه و به کمک یکدیگر می‌توانند هزار برابر بیشتر و سریع‌تر از یک فرد ماهر و دست‌تنها، میخ تولید کنند؟